

نگاهی به فعل **aufkommen** و حروف اضافه آن

سلام دوستان

در این درس می‌خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به فعل مهم و پرکاربرد **aufkommen** در زبان آلمانی

ایجاد کردن ، به وجود آمدن ، جبران کردن ، قبول مسئولیت کردن

گذشته ساده : **kamen auf**

گذشته کامل : **sind aufgekommen**

توجه داشته باشید که فعل **aufkommen** مانند آن دسته افعالی که با حروف اضافه ترکیب میشوند ؛ می تواند در جمله مورد استفاده قرار بگیرد و معنی و مفهوم تازه ی به خود بگیرد.

برای درک بیشتر به مثال های زیر توجه کنید:

هرگاه فعل **aufkommen** به همراه حرف اضافه **gegen** در جمله مورد استفاده قرار میگیرد می تواند معانی همچون : حریف کسی یا چیزی نشدن

du kommst gegen ihn nicht auf

تو حریف او (مذکر) نمیشوی

gegen einen mächtigen Mann nicht aufkommen können

از پسِ یک آدم قدرتمند نتوانیم بر بیاییم

حریفِ یه آدم قلچماق نتونیم بشیم ^۴

هرگاه فعل **aufkommen** با حرف اضافه **für** در جملات مورد استفاده قرار بگیرد آنگاه می تواند معانی همچون : گردن گرفتن

یا بر عهده گرفتن به خود بدهد

für jemanden Schulden aufkommen

بدهیهای کسی را برعهده گرفتن یا گردن گرفتن

für einen Schaden aufkommen

جبران ضرر یا خسارتی را برعهده گرفتن (تا آنرا جبران کنیم)

و در حالت منفی به این صورت است:

ich kommen für nichts auf. Er muss für den Schaden aufkommen

من هیچ چیز را گردن نمیگیرم ؛ او باید خودش خسارت را جبران کند.

für die Kinder aufkommen

مسئولیت بچه ها را برعهده گرفتن یا پذیرفتن و گردن گرفتن

نکته : با توجه به جمله بالا aufkommen به همراه für میتواند معانی همچون گردن گرفتن یا نگرفتن و همچنین جبران کردن یا جبران نکردن را در جملات به همراه خود داشته باشد.

هرگاه aufkommen به همراه حرف اضافه neben در جملات مورد استفاده قرار میگیرد چاره ای جز Reflexiv شدن ندارد که در ادامه به آن میپردازیم

هرگاه در حالت Reflexiv مورد استفاده قرار بگیرد آنگاه به معنی : اجازه عرض اندام ندادن ؛ به کسی یا چیزی میدان ندادن

niemanden neben sich aufkommen lassen

در دور و بر خود یا اطراف خود به کسی میدان ندیم ، در دور و یرمان اجازه عرض اندام به کسی ندیم

du wolltest niemanden neben dir aufkommen lassen

تو نمیخواستی در دور و بر خودت به کسی میدان بدی یا اجازه عرض اندام بدهی

البته می تواند بدون neben نیز بکار برده شود اما دیگر معنی در دور بر ؛ در نزدیکی یا اون اطراف را دیگر به همراه ندارد

sich aufkommen lassen اجازه عرض اندام ندادن ؛ به کسی یا چیزی میدان ندادن

aber er hat noch nicht einmal den Gedanken in sich aufkommen lassen, dass

حتی او یکبار هم اجازه یا میدان نداد به آن فکر ؛ که در او (تاثیر ایجاد کند) ...

هرگاه این فعل به همراه lassen در جملات بکار برده میشود معانی چون : اجازه ندیم (چیزی یا اتفاقی) رخ بدهد یا پیش بیاید.

um kein Missverständnis aufkommen zu lassen

اجازه ندیم یا نذاریم هیچ سوء تفاهمی ایجاد بشه یا بوجود بیاد

برای رفع هر گونه سوء تفاهم ؛ برای اینکه سوء تفاهمی پیش نیاد

wir dürfen keinen Zweifel darüber aufkommen lassen, dass

ما نباید جای هیچ گونه شبهه ای را در این رابطه باقی بگذاریم ؛ که...

چند مثال دیگر و پایان این درس

wir wollen kein Misstrauen aufkommen lassen

ما قصد نداریم اجازه بدیم (که) بدگمانی بوجود بیاید.

ein Sturm kommt auf, wir sollten das Segel einholen

دارد طوفان میشود (در تفکر آلمانی: دارد طوفان اتفاق میافتد) ما می بایستی بادبان ها را پایین میکشیدیم

falls noch Frage aufkommen, bin ich heute nur noch bis ca 12.30 Uhr erreichbar

در صورتی که (اگر یا چنانچه) سوالی پیش آمد ؛ من امروز فقط تا حدود ساعت 12:30 دقیقه در دسترس هستم

آموزش زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : De.Aleman.De
